

اخلاق گردشگری

سیده زهرا موسوی*

چکیده

انسان‌ها در ابعاد مختلف وجودی خود نیازمندی‌های متفاوتی دارند. توجه به این نیازها و برآورده کردن آنها باعث سلامت انسان می‌شود. یکی از این نیازها که لازم است به آن پاسخی صحیح داده شود نیاز به تفریح و تجدید قواست. انسان‌ها به دلیل قرار گرفتن در مسیر زندگی که به مرور حالت یکنواختی به خود می‌گیرد، احساس کسالت و درماندگی می‌کنند؛ از این رو به تنوع و هیجان نیازمند است تا این حالت از بین برود. سفر یکی از تفریحات سالمی است که برای تجدید قوا و بازسازی روحیه بسیار کارساز است، اما این مسأله نیز مانند تمام امور ممکن است از مسیر اصلی خود خارج شده، با آفات روبرو شود که به اصل سفر خدشه وارد کند. این پژوهش در پی آن است تا از میان منابع دینی نکات اخلاقی را که برای سفر بیان شده بیابد تا از این طریق نقاطی را که اسلام بر آنها تأکید دارد و به بهره‌مندی بیشتر از سفر منجر می‌شود در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. بدین منظور مطالب به صورت تحلیلی و

*- کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی از جامعه الزهرا (ع.ا.ع).

توصیفی جمع‌آوری و تنظیم شده است. آنچه در این میان به صورت برجسته به چشم می‌آید این است که نکات اخلاقی مطرح شده در بعد فردی و گروهی تلاش دارد سفر را به سویی راهنمایی کند که سلامت روحی مسافر و همسفران رعایت شده، نتایجی بهتر از لحاظ مادی و معنوی نصیب افراد شود.

واژه‌های کلیدی

سفر، گردش، گردشگری، مسافرت، همسفر، اخلاق گردشگری.

مقدمه

انسان دارای وجودی چند بعدی است که هر ساحت در ارتباط با بعد دیگر اوست. این ابعاد به هم پیوسته نیازهای متعددی دارند که ارضا و یا عدم توجه به آنها در نحوه عملکرد انسان تأثیر می‌گذارد. البته نه فقط در همان بعد خاص، بلکه سایر ابعاد نیز از این فرایند تأثیر می‌پذیرند.

مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان بعد مادی و بعد معنوی اوست که به هم پیچیده هستند. همان‌طور که نوع غذا و پوشاک و ... و نحوه تأمین این نیازها تأثیر مستقیم بر روح و جان انسان می‌گذارد، برطرف کردن نیازهای روحی انسان نیز تأثیر بسزا بر جسم او دارد. انسانی که روح پرتلاطم او در پی نوگرایی و تنوع است و از گذر یکنواخت روزگار و روزمرگی به تنگنا می‌رسد و تراکم کار و فشارهای روحی و جسمی کارایی او را پایین می‌آورد، به تنوع و شادی و نشاط در زندگی نیاز دارد، تا با تجدید قوا به بالاترین میزان بازدهی در کارها و رفتارهای فردی و اجتماعی خود برسد.

برای تأمین این نیاز باید روشی انتخاب شود که با سلامت روح و اخلاق متناسب بوده، از هرزگی و پوچی دور باشد. در این راستا اسلام پیشنهادهایی کارساز و عملیاتی ارائه کرده است که عملی کردن آنها



هم به سلامت فرد و هم به سلامت اجتماع منتهی می‌شود. از جمله‌ی این راهکارها می‌توان به صله‌ی رحم، دیدار و معاشرت با برادران دینی، ورزش و مسابقات ورزشی و سفر و ... اشاره کرد. هر کدام از پیشنهادهایی که اسلام ارائه کرده، به نوعی دارای هیجان و نشاط و شادابی است که می‌تواند یکنواختی و کسالت را از زندگی انسان بزداید. تنوع این پیشنهادها به اندازه‌ای است که هر گروه با توجه به شرایط سنی و موقعیت اجتماعی و نوع سلیقه‌ی شخصی می‌تواند به آنها پرداخته، به نتیجه‌ی مطلوب نیز دست یابد.

در این میان پرداختن به سفر و گردشگری برای افرادی که طالب هیجان و کسب تجربه و همچنین مایل به دیدن شهرها و مناطق مختلف هستند، گزینه‌ای مناسب است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای روحی آنها باشد، هرچند سفر علاوه بر این که نوعی سرگرمی محسوب می‌شود، از جنبه‌های دیگر همچون: تجارت، کسب علم، جهاد و ... نیز مورد توجه است.

اسلام برای سفر با هر انگیزه‌ی حلال و مشروع که صورت پذیرد، آداب و شرایطی را مطرح کرده که رعایت آنها به سلامت سفر در بعد مادی و معنوی منتهی می‌شود. در این میان برخی آموزه‌ها در لابه‌لای آیات و روایات وجود دارد که به اخلاق گردشگری اشاره کرده است، اما آنچه در بیشتر مکتوبات در این زمینه دیده می‌شود اشاره به آداب و احکام سفر است که به ندرت در میان آنها موارد اخلاقی هم دیده می‌شود. از آنجا که نهایت تلاش دین، بنابر کلام پیامبر اسلام، برپایی اخلاق است: (إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^۱ من برای تکمیل اخلاق بزرگوارانه مبعوث شدم)، شناسایی اخلاق در هر زمینه می‌تواند راه

۱- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۷۲.

رسیدن به هدف بعثت را هموارتر سازد.

مطالعات و پژوهش‌های اخلاقی از دیرباز مورد علاقه‌ی پژوهش‌گران رشته‌های مختلف علمی خصوصاً فلاسفه بوده است. از یک نظر مطالعات و پژوهش‌های فلسفی در این باره را به سه بخش عمده‌ی مباحث فرا اخلاقی، مباحث هنجاری و مباحث کاربردی می‌توان تقسیم کرد:

فرا اخلاق: این بحث تنها به تحلیل و پژوهش فلسفی از ماهیت گزاره‌ها، مفاهیم و احکام اخلاقی می‌پردازد و به درستی و نادرستی این گزاره‌ها کاری ندارد.

اخلاق هنجاری: این شاخه از فلسفه‌ی اخلاق به دنبال شناسایی و تبیین اساسی‌ترین مبانی و معیارهای درستی و نادرستی و خوبی و بدی در احکام اخلاقی است. در حقیقت وظیفه‌ی اصلی اخلاق هنجاری این است که طرحی کلی از معیارهای عمومی الزام و ارزش ارائه کند.

اخلاق کاربردی: اخلاق کاربردی در پی یافتن قواعدی خاص‌تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص‌تر و جزئی‌تر کارایی داشته باشد. به عبارت دیگر، «اخلاق کاربردی کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی در مورد رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی است».^۲

از این رو پرداختن به اخلاق در حیطه‌ی گردشگری نیز گامی هرچند کوچک در این مسیر است. این پژوهش بر آن است تا نکات اخلاقی اسلام پیرامون سفر و گردشگری در دو ساحت فردی و گروهی را

۱- اسلامی، محمدتقی و دیگران، اخلاق کاربردی، ص ۴۶.

۲- شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، ص ۲۳.



بررسی کند تا بایسته‌های اخلاقی سفر، در جنبه‌ی فردی و گروهی در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

در ابتدا لازم است به مفهوم سفر اشاره شود. سفر در فارسی چنین تعریف شده است: «بریدن مسافت^۱ و بیرون شدن از شهر خود و به محلی دیگر رفتن».^۲ در زبان عربی سفر معانی متفاوتی دارد: کتاب، جارو و برداشتن پرده که باعث آشکار شدن می‌شود، اینها معانی‌ای است که ذیل کلمه‌ی سفر در لغت‌نامه‌ها^{۳،۴} آمده است. ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی سفر در این نکته است که در مسافرت هم اخلاق مردم آشکار می‌شود، به طوری که در غیر آن آشکار نمی‌شود.^۵ در نهایت می‌توان گفت که سفر در فارسی و عربی به یک معناست و البته در عربی معنایی گسترده‌تر را شامل می‌شود که با قرینه‌ی کلام می‌توان به معنای مورد نظر رسید.^۶

در ادامه به اخلاق گردشگری در بعد فردی اشاره می‌شود.

الف: اخلاق فردی گردشگری

اخلاق فردی گردشگری، بایدهای اخلاقی است که در متون دینی به آنها اشاره شده است و نوع عملکرد فرد را برای سفر و در سفر بیان می‌کند تا در سایه‌ی این نحوه‌ی رفتار، سفر برای او علاوه بر نتایج

۱- دهخدا، لغت‌نامه، ذیل «سفر»، ج ۲۸، ص ۵۳۲.

۲- معین، فرهنگ فارسی، ذیل «سفر»، ج ۲، ص ۱۸۸۸.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ذیل «سفر»، ج ۴، ص ۳۶۷.

۴- راغب، المفردات، ذیل «سفر»، ج ۱، ص ۴۱۲.

۵- قرشی، قاموس القرآن، ج ۳، ص ۲۷۲.

۶- در عربی برای سفر تعابیر دیگری را نیز به کار می‌برند که از آن جمله می‌توان به «ظاعن» و «سیاح» به معنای گردشگر اشاره کرد.



مادی، سرشار از بهره‌های معنوی باشد و نهایت بهره‌مندی حاصل شود.

۱- خداحافظی کردن

اولین نکته که در ابتدای سفر باید مورد توجه قرار گیرد خداحافظی کردن از دوستان و بستگان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «حَقُّ عَلَيِّ الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ»؛^۱ حق است به گردن مسلمان که چون خواست به سفری برود، برادران دینی خود را باخبر سازد.

در روزگاری که زندگی‌ها از هم فاصله گرفته است و هرکس سر در لاک خود دارد، نیازهای سرشتی بشر به فراموشی سپرده شده است، اما نادیده گرفتن نیازها به معنای نبود آنها نیست. نیاز به پیوندجویی نیازی است که در انسان‌ها وجود دارد، هرچند انگیزه و میزان آن در افراد متفاوت است، ولی به صورت غالبی افراد چنین نیازی دارند.^۲

انسان‌هایی که سرشار از نیاز به پیوندجویی و محبت هستند، در این دنیای ماشینی که بی تفاوتی را رقم زده است مانند تشنگانی هستند که برای رسیدن به جرعه‌ای آب به هرکاری دست می‌زنند. دوستی‌های خلاف شرع و پناه بردن به حیوانات از عواقب عدم توجه به نیازهای عاطفی انسان‌هاست که با رعایت دستورات اسلام قابل علاج است. توجه به نکات ریز زندگی اجتماعی به لطافت روابط میان انسان‌ها منتهی می‌شود. خداحافظی کردن مسافر از بستگان و دوستان برای خود او و بستگانش حالتی عاطفی را ایجاد می‌کند که سبب دلگرمی و تقویت روحیه و گسترش روابط می‌شود. داشتن روابط صمیمانه اعتماد به نفس را در افراد تقویت کند که این امر بسیاری از معضلات روحی را از بین می‌برد.

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۵۲.

۲- ر.ک: روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۴۷ الی ۲۵۰.

۲- یاد خدا

توجه به فرایض و یاد خدا از دیگر اموری است که در سفر باید بیشتر مورد توجه واقع شود. یاد خدا باعث می‌شود تا فرد در سفر از مسیر اعتدال و حق خارج نشود. نیت سفر هر چه باشد یاد خدا او را در تحقق هدف بیشتر یاری می‌کند. اگر سفر برای تجارت باشد، یاد خدا او را از خیانت و ناحق عمل کردن باز می‌دارد. اگر سفر برای تفریح باشد، مانع گناه و نافرمانی می‌شود. در سفر علمی او را در کسب علم مصمم‌تر می‌کند و مقاومتش را در برابر ناملازمات افزایش می‌دهد. در حقیقت یاد خدا باعث می‌شود سمت و سوی سفر از گناه و نافرمانی دور باشد. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که چند کار در سفر نشانه‌ی جوانمردی است؛ از جمله یاد خدا: «أَمَّا مُرُوءَةُ السَّفَرِ ... كَثْرَةُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ مَضْعَدٍ وَ مَهَبَطٍ وَ نُزُولٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ»؛^۱ اما مردانگی در سفر، ... بیشتر به یاد خدا بودن است در فراز و نشیب و فرود آمدن و برخاستن و نشستن. یاد خدا در هر حالت و موقعیتی - چه سفر و چه حضر - باعث برکت و جلب رحمت است، اما توجه به آن در سفر از اولویت‌ها به حساب می‌آید. شاید علت آن در چند نکته باشد: در سفر انسان با مکان‌ها و افراد و عجایب زیادی مواجه می‌شود که ممکن است او را از یاد خدا غافل کنند؛ لذا توصیه‌ی اکید شده است که در سفر در هر حالت مشغول ذکر باشید. دیگر این که خارج شدن از حالت روزمرگی و دور شدن از برنامه‌های روزانه ممکن است برنامه‌های عبادی افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد. برخی افراد نیز تصورشان از سفر مخصوصاً سفرهای تفریحی این است که در این موقعیت باید به دنبال خوشگذرانی و تفریح بود و از هر کاری غیر آن صرف‌نظر کرد،

۱- الخصال، ج ۱، ص ۵۴.

ولی رویکرد دین در تمام حالات - بهترین یا بدترین وضعیت - توجه به خداوند است. رعایت این نکته باعث می‌شود خوشی‌ها به سرکشی و نافرمانی و ناخوشی‌ها به ناامیدی و افسردگی منجر نشود. سفر نیز از این امر مستثنی نیست و در تمام مراحل سفر باید به یاد خدا بود؛ همان‌طور که در سفارش لقمان به فرزندش آمده است: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَأْكُلَ طَعَاماً حَتَّى تَبْدَأَ، فَتَتَّصِدْ مَنْهُ فَافْعَلْ؛ وَ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابِ اللَّهِ مَا دُمْتَ رَاكِباً، وَ عَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلاً عَمَلًا، وَ عَلَيْكَ بِالِدَعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِياً»^۱. اگر بتوانی هیچ غذایی را نخور تا مقداری از آن را صدقه دهی؛ تا سواره‌ای قرآن بخوان؛ در حال اشتغال به کار ذکر بگو؛ هنگام بیکاری به دعا پرداز.

در این سخن که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است لقمان دستورالعملی را برای فرزندش بیان می‌کند تا در تمام حالات به یاد خدا باشد. البته ظرافتی را که لقمان در نظر داشته تنوع در یاد خداست که از یکنواختی هم به دور است.

صدقه نوعی یاد خداست که در اسلام جایگاهی خاص دارد. در سفر نیز به آن توجه شده و روایات زیادی در باب آغاز سفر با صدقه وجود دارد که به یک مورد اشاره می‌شود. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است: «إِفْتَتِحْ سَفْرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَ اخْرُجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ؛ فَانْكَ تَشْتَرِي سَلَامَةَ سَفْرِكَ»^۲. سفر خود را با صدقه آغاز کن و هر زمان که خواستی حرکت کن (با صدقه) سلامتی سفرت را می‌خری.

همان‌گونه که بسیار شنیده‌ایم صدقه بلا را دور می‌کند، آغاز سفر با صدقه نیز سلامتی سفر را تضمین کرده، بلا را دور می‌کند.

۱- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۹۹.

۲- الکافی، ج ۴، ص ۲۸۳.

۳- کنترل رفتار

رعایت موازین شرعی و برخی نکات که از جهت اخلاقی هم توجه بیشتری به آنها شده است در سفر مهم است. در سفارش لقمان به پسرش در این زمینه آمده است: «الزم السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ، ... وَغَضَّ بَصْرَكَ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَمَوَاضِعِ النَّهْيِ، ...، وَ لَا تَكُنْ لَفَاتًا، وَ أَفْشِ السَّلَامَ لِأَهْلِهِ مَبْتَدَأً وَ مَجِيباً»؛ آرام راه برو... از شهوت‌ها و هر جا که نهی شده است چشم پپوش؛ و به هر سو ننگر؛ و به کسی که باید، سلام بلند کن؛ چه آغازگر باشی و چه جواب‌گو.

نکاتی که لقمان به پسرش توصیه کرده بسیار ساده و قابل اجراست و در مقابل آنچه به دست می‌آید بسیار با ارزش و قیمتی است. این که انسان متین و باوقار حرکت کرده، نگاه خود را کنترل کند هم برای خود شخص مستقیماً دارای فائده است و هم بازتاب اجتماعی آن قابل ملاحظه است. حرکت پرشتاب احتمال بروز خطرات را دوچندان می‌کند؛ مخصوصاً در جایی که شرایط محیطی ناآشنا است و وضعیت قابل پیش‌بینی نیست. در چنین موقعیتی آرامش و متانت باعث می‌شود ارزیابی دقیقی از شرایط صورت بگیرد و اگر هم اتفاقی رخ دهد، چون سرعت و شتاب زیاد نبوده، خسارت و آسیب نیز کمتر خواهد بود. البته این مورد در حرکت و نوع رفتار فردی نیز مطرح است و شاید از اهمیت بیشتری هم برخوردار باشد. رفتار و حرکاتی که همراه با متانت و آرامش باشد نشان از قلبی آرام دارد که فرصت تدبیر و تفکر را به فرد می‌دهد تا اعمال و رفتار او منطقی و عاقلانه باشد. چنین رفتاری شخصیت فرد را به عنوان یک مهمان و تازه وارد در خور توجه و احترام

می‌کند. کنترل نگاه نکته‌ای است که هم از بعد اخلاقی و هم از بعد فردی اهمیت دارد. قابل توجه این که لقمان به دو نوع نگاه اشاره کرده است: نگاه‌هایی که گناه است که با تعبیر «مواضع النَّهَى» از آن یاد کرده و مورد دیگر نگاهی که با لفظ «لَفَاتاً» آمده است. منظور از لفات نگاه‌های سریعی است که به این سو و آن سو می‌شود و نوعی حرص و ولع در نگاه را نشان می‌دهند. در توضیح ماده‌ی «لغت» چنین آمده: «لَفَتَ: صَرَفَهُ، اُلْتَفَتَ إِلَيْهِ: صَرَفَ وَجْهَهُ إِلَيْهِ؛^۱ لفت به معنای برگرداندن و در ادامه آمده است که مورد توجه قرار دادن نیز به همین معناست. «لَفَات» به معنای بسیار نگاه کننده است؛ یعنی: کسی که بسیار به این سو و آن سو رو می‌گرداند.^۲

با توجه به این معنی می‌توان گفت رعایت تعادل و پرهیز از نگاه‌های پر شتاب و بدون توجه، از بروز بسیاری از اشتباهات و سوء تفاهم‌ها جلوگیری می‌کند. به عنوان نمونه، اگر در حرکت تمرکز نباشد، به دلیل نگاه‌های غیر ضروری و بدون توجه، احتمال تصادف یا مشکلات دیگر بسیار زیاد می‌شود که جبران آنها گاهی سخت و غیر ممکن است؛ و از همه مهم‌تر این که لذت سفر را از بین می‌برد. از جهت اخلاقی نیز صحیح نیست که افراد به این سو و آن سو نگاه نامناسب داشته باشند. شایان ذکر آن که حس بینایی از مهم‌ترین حواس است که انسان را در درک بهتر کمک می‌کند. در قرآن نیز به بهره‌گیری از این موهبت الهی در سفر تأکید شده است: ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

۱- لسان العرب، ج ۲، ص ۸۴؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲- «لَفَات» در عربی صیغهی مبالغه بر وزن فَعَال است. صیغهی مبالغه در مواردی به کار می‌رود که نشان از کثرت دارد. لفات نیز به معنای بسیار نگاه کننده است.



عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ»؛^۱ «آیا در زمین نمی‌گردند تا عاقبت مردمی را که پیش از آنها بوده‌اند ببینند؟!».

در بیشتر آیاتی که به گردشگری سفارش کرده، آمده است که چرا نگاه نمی‌کنند، یا این که نگاه کنید و تعابیری از این قبیل که نشان از توجه و تأکید بر حس بینایی دارد. اما مهم نحوه‌ی استفاده از آن است که چگونه و در کجا باید از آن بهره جست؟

دیدن مناظر طبیعی و شگفتی‌های جهان که نشان از قدرت خداوند دارند یا بقایای اقوام گذشته که آینه‌ی عبرت هستند از جمله موارد استفاده‌ی مناسب از این حس پر فایده است، اما نگاه‌های گناه‌آلود و یا نگاه‌هایی که باعث آزار دیگران می‌شود نه تنها استفاده‌ی مناسب نیست، بلکه سبب دردسر و بدنامی انسان می‌شود. گاهی این بدنامی به خود فرد منحصر نمی‌شود و به دین و آیین و مملکت و شهر و دیار او نیز سرایت می‌کند، تا جایی که این ویژگی را به تمامی هموطنان یا همکیشان و همشهریان نسبت می‌دهند. مثلاً می‌گویند مسلمانان این گونه هستند و یا این که اهل فلان شهر انسان‌هایی با این خصوصیت هستند؛ از این رو رعایت این موارد بسیار قابل توجه است؛ زیرا مسافر در محلی که به مسافرت رفته است، نماینده‌ی شهر و مذهب و کشور خود است.

در ادامه لقمان به افشاء سلام اشاره می‌کند. افشاء سلام به این معناست که از سلام دریغ نکند.^۲ در روایات فوایدی برای افشاء سلام برشمرده‌اند. از جمله این که: «أَفْشُوا السَّلَامَ تَسَلَّمُوا»؛^۳ سلام را فاش کنید تا سالم بمانید.

معروف‌ترین نکته‌ای که در مورد سلام شنیده‌ایم همین است که سلام باعث سلامتی فرد می‌شود.

۱- فاطر / ۴۴.

۲- اُمالی، شیخ صدوق، ترجمه‌ی کمره‌ای، ص ۳۲۹.

۳- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱.

فایده‌ی آخرتی آن هم این است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ؟»^۱ آیا شما را از چیزی خبر بدهم که سبب محبت می‌شود؟ سلام را در میان خود رایج کنید.

در نتیجه، سلام کردن باعث جلب نعمت در دنیا و آخرت می‌شود. نکته‌ی دیگر در افشاء سلام این است که سلام کردن نشان از تواضع فرد دارد: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ مِنْ التَّوَّاضِعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ لَقِيتَ»؛^۲ از تواضع و فروتنی است که انسان به هر که ملاقات می‌کند سلام کند.

تواضع خود باعث محبوبیت بین مردم می‌شود و جلب رحمت می‌کند. این امر برای کسی که مسافر و غریب است بسیار مهم می‌باشد. جلب اعتماد و محبت نکته‌ای است که از دو جهت قابل ملاحظه است: اول این که وقتی همه‌ی مسافرین یا اکثر آنها اهل سلام و تواضع باشند باعث جلب اعتماد مردم به گردشگران و مسافرین می‌شوند رحمت و شفقت مردم به مسافران افزایش می‌یابد، و محبت مردم نیز سبب جذب بیشتر گردشگر و مسافر می‌شود. که نهایتاً سود بیشتری را برای مردم شهر به دنبال می‌آورد. در واقع این فرایند دوسویه سودش هم به مسافر و هم به میزبان می‌رسد. در آخر، این نکته را هم باید در نظر گرفت که در افشاء سلام قید «لأهله» آمده، که لازم است در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، ولی اجمالاً گفته می‌شود مواردی هم وجود دارد که باید از سلام کردن خودداری کرد.^۳

۱- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱.

۳- از بارزترین این موارد می‌توان به موضعی که احتمال فساد می‌رود اشاره کرد. همان‌طور که در سیره‌ی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است که به زنان جوان سلام نمی‌کردند.

۴- اطلاع رسانی به خانواده

در اسلام بنیان خانواده از مهم‌ترین جایگاه برخوردار است. از نکاتی که درباره‌ی روابط میان اعضای خانواده بسیار به آن توصیه شده، صله‌ی رحم است. در سفر نیز این نکته مورد توجه است که به شکلی دیگر صورت می‌گیرد. در روایت آمده است: «وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَالتَّوَّاصِلُ فِي السَّفَرِ التَّكَاتُبُ»؛^۱ ارتباط برادر هنگام حضور در وطن دید و بازدید است و ارتباط در حال سفر نوشتن نامه است.

در واقع هیچ وقت نباید رابطه‌ی میان اعضای خانواده از هم گسسته یا کم رنگ شود. اهمیتی که اسلام به خانواده می‌دهد به زمان حضور در میان خانواده منحصر نیست، بلکه در سفر نیز این مسأله اهمیت دارد. هنگامی که فرد در شهر و دیارش می‌باشد در خصوص خانواده‌ی خود وظیفه دارد به آنها سرکشی کند و به امورات آنها توجه داشته، به دیدار نزدیکان و بستگانش برود، ولی در سفر که امکان سرکشی و وصله‌ی رحم وجود ندارد باید آنها را از حال خود باخبر کند. تداوم ارتباط بین اعضای خانواده در هر شرایط و با امکاناتی که در دسترس است محبت را افزایش می‌دهد و مانع کم رنگ شدن تعهد فرد نسبت به خانواده می‌شود. با این تدابیر دیگر این تصور پیش نمی‌آید که برای گریز از مسوولیت می‌توان راه فراری پیدا کرد. توجه به همین نکات ریز دارای ارزش و اعتباری است که سبب استحکام و تداوم روابط می‌شود و نتیجه‌ی آن رضایت‌مندی و خرسندی از روابط خانوادگی و آرامش روحی و احساس امنیت در اجتماع است.

آگاه کردن خانواده از جایی که در آن قرار دارد، شرایط و وضعیتی



۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۵.

که برایش در سفر پیش آمده و یا زمان و نحوه‌ی بازگشت، همه‌ی اینها به نزدیکی قلب‌ها کمک می‌کند و ارتباط بین اعضا خانواده را لطیف و عمیق می‌کند. در روایتی از پیامبر به نکته‌ای اشاره می‌شود که اهمیت اطلاع‌رسانی به خانواده را بیشتر آشکار می‌کند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَطْرُقَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ لَيْلًا إِذَا جَاءَ مِنَ الْغَيْبَةِ حَتَّى يُؤْذَنَ لَهُمْ»؛^۱ رسول خدا ﷺ نهی کرد از این که کسی شبانه به سراغ خانواده‌ی خود برود وقتی که از سفر آمده است، جز آن که به آنها خبر داده باشد.

این فرمایش پیامبر اهمیت ارتباط فرد مسافر با خانواده‌اش را نشان می‌دهد با این که منزل خودش است، ولی اگر از قبل خبر نداده باشد باید از رفتن به خانه خودداری کند.

۵- مواظبت از مال

یکی دیگر از مواردی که در سفر به آن اهمیت داده شده مواظبت از مال و خرج سفر است. توجه مسافر به دارایی و اموالش در سفر نشان از دانی‌ی فرد دارد. یکی از یاران امام صادق عليه السلام از ایشان سؤالی در همین زمینه می‌پرسد: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ مَعِيَ أَهْلِي وَ أَنَا أُرِيدُ الْحَجَّ أَشَدُّ نَفَقَتِي فِي حَقْوِي؟ قَالَ نَعَمْ إِنَّ أَبِي كَانَ يَقُولُ: مِنْ فَهْمِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ»؛^۲ صفوان جمال می‌گوید که به امام صادق عليه السلام گفتم: با خاندانم به حج می‌روم. خرج سفر را به کمرم بیندم؟ فرمود: آری. پدرم می‌فرمود: از فهمیدگی مسافر است که خرجی خود را نگهداری کند.

محافظت از سرمایه‌ای که در سفر همراه انسان است و به واسطه‌ی آن از گرسنگی و درماندگی خود را نجات می‌دهد تدبیر است و نشان از

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

فهم و دانایی فرد است. بی احتیاطی در مراقبت از اموال در سفر و از دست دادن آن به نوعی به خطر انداختن آبرو و اعتبار خود می‌باشد. اگر با سهل انگاری زاد و توشه‌ی فرد از بین برود و در دیار غربت به درماندگی بیفتد، با دست خود موجبات خواری و درماندگی خود را فراهم کرده است.

در اسلام نیز به شدت از این که مؤمن خود را به خواری بیندازد نهی شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَيَّ الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا، وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا»؛^۱ خداوند تمام کارهای هر مسلمانی را به خود او واگذار کرده است، اما اجازه‌ی خواری و ذلت را به او نداده است.

عزت و سربلندی اهمیتی دارد که با لحظه‌ای خواری و ذلت، لذت تمام زندگی تحت الشعاع قرار می‌گیرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سَاعَةٌ ذُلٌّ لَّا تَفِي بِعِزِّ الدَّهْرِ»؛^۲ یک ساعت ذلت با عزت تمام دوران زندگی برابری نمی‌کند. هنگامی که بی توجه بودن به نحوه‌ی مراقبت از اموال در سفر به از دست دادن توشه‌ی راه منجر شود و انسان مجبور شود برای تأمین مخارج راه خود به مردم رو بیاورد، این رفتار نوعی زیر پا گذاشتن عزت نفس است. «الْمَسْأَلَةُ طَوْقُ الْمَدَلَّةِ تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عِزَّهُ وَ الْحَسِيبَ حَسْبَهُ»؛^۳ گدائی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب می‌کند.

مسأله‌ی عزت نفس برای فرد از اهمیت بالایی برخوردار است که با توجه به نکات کوچکی می‌توان آن را پاس داشت. از همین روست که توجه به نحوه‌ی محافظت از اموال در سفر نشان از دانایی فرد است؛ زیرا

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۶.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۸.

۳- همان، ص ۳۶۱.

علاوه بر تامین آسایش در سفر باعث حفظ عزت و اعتبار او نیز می شود. نکاتی که تاکنون بیان شد مواردی بود که رعایت آن موجب سلامت سفر و بهره‌مندی بیشتر برای فرد می‌شود، حال چه به تنهایی سفر کند چه با گروه، اما در ادامه به نکاتی اشاره می‌شود که به سفر گروهی توجه داشته، رویکرد جمعی دارد.

ب. اخلاق گروهی گردشگری

در اسلام اجتماع و گروه بسیار مورد توجه است و آنجا که کار هم به صورت فردی و گروهی قابل انجام باشد به انجام کار گروهی توصیه شده است. سفر هم می‌تواند به صورت فردی و هم به صورت گروهی باشد. اما قابل توجه این که در روایات بر سفر گروهی تأکید شده است؛ آن چنان که در سیره‌ی پیامبر آمده است: «كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكْرِهُ أَنْ يَسَافِرَ الرَّجُلُ فِي غَيْرِ رِفْقَةٍ»؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوست نداشت کسی بدون رفیق مسافرت کند.

با توجه به این مطلب حضرت نه خود به تنهایی مسافرت می‌رفتند و نه از این که کسی تنها به سفر برود خرسند بودند. در سفارشی که پیامبر به حضرت علی عَلِيٌّ فرموده‌اند آمده است: «يَا عَلِيُّ، لَا تَخْرُجْ فِي سَفَرٍ وَحَدَاكَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْإِثْمَيْنِ أَبْعَدُ يَا عَلِيُّ، إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سَافَرَ وَحْدَهُ فَهُوَ غَاوٍ، وَالْإِثْمَانِ غَاوِيَانِ وَالْثَّلَاثَةُ النَّفْرُ وَرَوَى بَعْضُهُمْ سَفَرًا»؛^۲ یا علی، تنها به سفر مرو که شیطان با آدم تنهاست و از دو تا دورتر است. یا علی، واقعاً مردی که تنها سفر کند گمراه است؛ دو تا باشند دو نفر گمراهند و سه تا که باشند همراهند.

۱- مجموعه‌ی ورام، ج ۱، ص ۳۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۲۷.

با توجه به نهی اکید اسلام از مسافرت به صورت فردی لازم است تدابیری اندیشید که مسافرت‌ها فردی نباشد، در سفرهای گروهی لذت سفر دوچندان شود و از ناملایماتی که ممکن است در سفرهای گروهی پیش آید جلوگیری کرد.

از آنجا که اسلام دینی کامل است، هر جا نهی باشد دستوراتی به عنوان جایگزین و مکمل پیشنهاد می‌کند تا خللی در فرایند زندگی ایجاد نشود. درباره‌ی سفر نیز همین روند وجود دارد. اگر نهی از سفر فردی شده، در مقابل برای سفر گروهی نکاتی بیان شده که عمل به آنها سفر را شیرین و به یادماندنی می‌کند. در ادامه به برخی از این امور اشاره می‌شود.

۱- انتخاب همسفر

برای این که انسان سفری خوب و پرثمر داشته باشد لازم است همسفری خوب داشته باشد. اهمیت انتخاب همسفر به اندازه‌ای است که روایات بسیاری به این موضوع اختصاص پیدا کرده است. در این مجال به برخی از این روایات اشاره می‌شود. پیامبر اسلام در مورد اهمیت انتخاب همسفر می‌فرماید: «الرَّفِيقُ ثَمَّ السَّفَرُ»؛ نخست جستن یار سفر، سپس بستن بار سفر.

با توجه به این روایت می‌توان گفت: مهم‌تر از توشه و زاد سفر همسفر است. اگر همسفر خوبی برای راه پیدا شود نتیجه‌ی بهتری حاصل می‌شود تا این که فرد به دنبال تهیه‌ی وسایل خوب برای سفر باشد، ولی همسفر خوبی نداشته باشد. معمولاً انسان‌ها اگر از نظر روحی آرامش داشته باشند با کمبودها کنار می‌آیند و داشتن همسفری که با

روحیات و افکار و اخلاق شخص سازگار باشد همدمی مناسب برای سفر خواهد بود که رنج سفر را کم کرده، لذت آن را دوچندان می‌کند. در این بین اگر در امکانات و زاد و توشه کمبودی باشد، قابل تحمل و چشم‌پوشی خواهد بود. تأکید روایات در انتخاب همسفر این است که همسفر نسبت به خود فرد برتری و فضیلتی داشته باشد: «لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرٍ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ عَلَيْكَ»^۱؛ با کسی که در تو فضیلتی نسبت به خود نمی‌بیند و همچنین تو نیز در او فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینی هرگز همسفر نشو.

مطلبی که در این روایت بر آن تأکید شده بسیار ظریف و قابل توجه است. اگر نگاه دو نفر به هم چنین باشد که طرف مقابل فضیلت و برتری دارد، در رفتار و منش خود و در برخوردها، به واسطه‌ی ارزشی که برای یکدیگر قائل هستند حرمت را نگه می‌دارند که همین امر مانع بروز خیلی از تنش‌ها و درگیری‌ها می‌شود.

همچنین در روایتی دیگر آمده است: «اصْحَبْ مَنْ تَتَزَيَّنُ بِهِ»^۲؛ با کسی مصاحبت کن که زینت و افتخار تو باشد.

همراه شدن با کسی که ویژگی‌هایی دارد که باعث سربلندی و افتخار انسان می‌شود از نظر روحی نیز باعث رشد و تکامل فرد می‌شود و بر ثمرات سفر می‌افزاید. البته نکته‌ای که باید در خصوص برتری همسفر مورد توجه قرار گیرد این است که تمام سفارش‌ها در این زمینه در مسائل معنوی و غیر مادی است، و گرنه در مورد انتخاب همسفر تأکید شده است که از لحاظ مادی همسطح باشند و از سفر با اشخاصی که برتری مادی دارند نهی شده است. توضیحات بیشتر در این زمینه به صورت جداگانه خواهد آمد.

۱- همان.

۲- مکارم/الأخلاق، ص ۲۵۰.



۲- رعایت مسایل مادی

از امتیازات اسلام این است که جامع‌نگر بوده و برای همه‌ی مسائل راه حل و راهکار بیان فرموده است؛ البته برخی را در قالب دستور العمل‌های اخلاقی و برخی را به عنوان بایدهای دینی و برخی را به صورت پاسخ به پرسش‌های مردم. در هر صورت، کمتر جایی به چشم می‌خورد که رد پایی از اسلام در آنجا دیده نشود. هنگامی که اسلام سفر گروهی را تأیید و تشویق می‌کند، برای مواردی هم که ممکن است باعث اختلاف و درگیری شود راه‌حل‌هایی بیان می‌کند. یکی از مواردی که احتمال تنش در آن می‌باشد مسأله‌ی خرج و مخارج در سفر گروهی است. برای جلوگیری از هرگونه تنشی - چه روحی و چه فیزیکی - اسلام توصیه‌هایی قابل توجه دارد. از مهم‌ترین سفارشات که آمده، انتخاب همسفری است که از نظر مالی همسطح باشد. در سیره‌ی امام صادق علیه السلام آمده است: «أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَصْحَبَ مَنْ يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ وَقَالَ: اصْحَبْ مِثْلَكَ»؛^۱ امام ششم علیه السلام خوش نداشت کسی با توانگرتر از خود همسفر شود؛ و فرمود: با همانند خود همسفر شو.

از ظاهر روایات چنین بر می‌آید که روش متداول در سیره‌ی بزرگان دینی این بوده که در سفر سطح مادی را در نظر گرفته‌اند و بر یکنواختی افراد در این زمینه تأکید داشتند و آنان در برخورد با افراد گوناگون و در موقعیت‌های مختلف این مسأله را بیان می‌کردند. مانند سوالی که از امام در این زمینه شده است: «يَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَيَّاسِيرٍ وَهُوَ أَقْلُهُمْ شَيْئًا فَيُخْرِجُ الْقَوْمَ نَفَقَتَهُمْ وَكَأَيُّهُمْ هُوَ أَنْ يُخْرِجَ مِثْلَ مَا أَخْرَجُوا فَقَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ لِيَخْرُجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ»؛^۲ کسی با توانگران همسفر

۱- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

۲- الکافی، ج ۴، ص ۲۸۵.

شود و از همه کمتر داشته و آنان خرجی خود را بدر آورند و او نتواند به اندازه‌ی آنها خرجی در آورد، فرمود: دوست ندارم خود را خوار کند.

در اینجا از وضعیت فردی سؤال می‌شود که با افرادی همراهی می‌کند که از نظر مالی وضعیت بهتری دارند، و هنگام خرج کردن نمی‌تواند مانند آنها رفتار کند. چنین وضعیتی از لحاظ روحی موجب نوعی تنش برای فرد می‌شود و ایجاد حس حقارت کرده، شخص خود را خوار و کوچک می‌بیند. امام باقر علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا صَحِبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَكْ وَ لَآ تَصْحَبْ مَنْ يَكْفِيكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ»؛^۱ چون مصاحبت می‌کنی، یار کسی مانند خود باش و با کسی که امور زندگی تو را بر عهده گیرد و معیشت را اداره کند یار مشو؛ زیرا که چنین وضعی موجب خواری مؤمن است.

امام باقر علیه السلام در این روایت همسفری با کسی که مخارج انسان را تکفل کند و از نظر مادی برتر باشد نهی کرده و آن را با شأن مؤمن سازگار نمی‌داند؛ چون در این میان آنچه نصیب فرد می‌شود خفت و خواری است که با عزت نفس و کرامت انسانی در تضاد است.

چنان‌که قبلاً اشاره شد، اسلام از این‌که شخصی خودش را به ذلت و خواری بیندازد به شدت نهی کرده است. در روایات دیگر نکاتی وجود دارد که علت این نهی شدید را می‌توان فهمید. از جمله این‌که: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ خَيْرَهُ»؛^۲ کسی که برای خود ارزشی قائل نباشد، امید هیچ خیری به او نیست.

وقتی کسی خود را پست و بی‌ارزش بداند و جایگاه انسانی خود را به فراموشی بسپارد، دیگر نمی‌توان انتظار خیر و خوبی از او داشت.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۶۳.



حس حقارت مانند بیماری مسری تمام ارزش‌های انسانی را تحت سیطره‌ی خود می‌گیرد و آنها را از بین می‌برد. در چنین وضعیتی فرد به خود هر بدی را اجازه می‌دهد؛ زیرا دیگر هیچ مانعی نمی‌بیند تا از بدی دوری کند. وقتی فرد از درون ارزشی برای خود قائل نباشد، هیچ مانعی از بیرون نمی‌تواند جلوی او را بگیرد؛ لذا در روایت آمده است: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»؛^۱ کسی که برای خود ارزشی قائل از شرش در امان نباشد. در واقع عزت نفس و ارزش قائل شدن برای خود مانعی درونی برای دوری از بسیاری از گناهان است؛ از این روست که در سفارش‌های ائمه از این که فردی خود را در خواری بیندازد نهی شده است و امام چنین وضعیتی را در شأن یک مؤمن نمی‌دانند.

توصیه‌ی دیگر در باب مسائل مادی سفر این است که اگر گروهی با هم سفر می‌کنند و در تمام امور با هم شریک هستند، باید در خرج نیز شریک شوند؛ یعنی: همه به مقدار مشخصی پول را برای سفر کنار بگذارند. این برنامه از قدیم الایام مرسوم بوده است و پیامبر اسلام نیز در این خصوص می‌فرماید: «مِنَ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يُخْرِجُوا نَفَقَتَهُمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لِنَفْسِهِمْ وَأَحْسَنُ لِأَخْلَاقِهِمْ»؛^۲ این از سنت است که چون گروهی به سفر بروند، مبلغی را که برای مخارج سفر در نظر می‌گیرند به اشتراک گرد آورند. این کار برای فکر و ذهنشان خوشایندتر و برای اخلاقشان بهتر است.

این برنامه از جمله تدابیری است که در سفر گروهی اندیشیده شده تا از این بابت هم درگیری میان افراد رخ ندهد و هم تهیه‌ی خوراک و مسکن و سایر مایحتاج سفر آسان‌تر و بهتر تأمین شود. این که پیامبر

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۸۱.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷.

می‌فرمایند این روش برای افکار و اخلاق همسفران بهتر است، از این جهت است که اگر هم‌خرجی نباشد؛ یعنی: همه به یک اندازه خرجی برای سفر کنار نگذارند، ممکن است هرکس فکر کند بیش از دیگران هزینه کرده است و همین امر نوعی بدبینی میان افراد ایجاد می‌کند؛ در نتیجه یکدیگر را به کم گذاشتن از خرجی متهم می‌کنند. این امر (هم خرج نبودن) در اخلاق نیز بی‌تأثیر نخواهد بود و سبب درگیری و بداخلاقی در سفر می‌شود که لذت سفر و احترام بین رفقا را از بین می‌برد.

۳- حسن خلق

حسن خلق تعبیری عام است که در پس آن دنیایی از خوبی و محبت و مهربانی نهفته است. حسن خلق در سفر بسیار کارساز است، لذا بر آن تأکید و شده گفته شده از جوانمردی فرد در سفر داشتن حسن خلق است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سِتُّ مِنَ الْمَرْوَةِ، ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ، وَ أَمَّا أَلْتِي فِي السَّفَرِ ... وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ ...»^۱ شش خصلت از جوانمردی است: سه در حضر و سه در سفر، در سفر ... و حسن خلق، و ...

سفر به دلیل این‌که خارج از شرایط عادی است، خوراک و استراحت و آسایش زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا نیاز به صبر و تحمل در برابر شرایط سخت و ناخوشایند دارد. حال اگر کسی علاوه بر تحمل ناملايمات سفر خوش برخورد و خوش رو نیز باشد، نشان از روح بلند و جوانمردی او دارد. با توجه به این‌که حسن خلق عنوانی عام است، با کمک روایات مصداق‌هایی برای آن بیان می‌شود.

۱- صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۴.



در روایات رعایت به برخی نکات در سفر به صورت ویژه توجه شده است که می‌تواند نمونه‌هایی از حسن خلق محسوب شود. یکی از این موارد داشتن روی خوش و لبخند زدن است. در سفارش لقمان به فرزندش آمد است: «إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ ... أَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجُوهِهِمْ»؛^۱ هنگامی که با گروهی همسفر شدی ... به رویشان بسیار لبخند بزن.

روی باز و گشاده در مرآوده با همسفران از مصادیق بارز حسن خلق است. لبخند هم برای خود فرد نشاط‌آور است هم برای افرادی که با او روبرو می‌شوند. از آنجا که لبخند داشتن نوعی تلقین شادابی است، باعث نشاط در فرد می‌شود و همین روحیه را نیز به دیگران القا می‌کند.

شوخی کردن و شاد کردن دیگران نیز از مواردی است که زیرمجموعه‌ی حسن خلق قرار می‌گیرد. اگر فرد علاوه بر شاد بودن بتواند دیگران را نیز شاد کند، توانایی دارد که به واسطه‌ی آن به نفع دنیا و آخرت خود گام برمی‌دارد. منفعت دنیایی شاد کردن دیگران این است که به عنوان فردی خوش‌مشرّب دیگران را به خود جذب کرده، با افراد زیادی تعامل می‌کند؛ در نتیجه از دایره‌ی حمایتی گسترده‌تری برخوردار می‌شود. همچنین شرایط سخت را برای خود و دیگران قابل تحمل و شیرین می‌کند. منفعت آخرتی آن نیز بهره‌مندی از پاداش الهی است؛ زیرا شاد کردن مؤمنان از کارهایی است که به آن سفارش شده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»؛^۲ بهترین اعمال نزد خداوند شاد کردن مؤمن است.

البته شوخی مقوله‌ای است که دو لبه دارد: یکی از آنها به رفتاری پسندیده منتهی می‌شود که از جانب خداوند پاداش داده می‌شود، و

۱- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲- کامل‌الزیارات، ص ۱۴۶.

لبه‌ی دیگر آن، که تیز و برنده در صورتی است که شوخی از مسیر صحیح خود خارج شده، سبب خشم خداوند و خسران گردد. این دو لبه‌ی شوخی درباره‌ی دنیا نیز صادق است. استفاده‌ی صحیح از آن می‌تواند جلب محبت و رفاقت کند، اما استفاده‌ی غلط کینه و دشمنی به جا می‌گذارد. اگر شوخی در دایره‌ی سالم و به دور از هرزگی و آزار دیگران به کار رود، ادخال سرور است؛ و اگر با نیش و کنایه همراه باشد و به تمسخر و آزار دیگران منتهی شود، سرانجام آن به خشم الهی می‌رسد؛ از این رو در کلام امامان و بزرگان اخلاق دو رویکرد را می‌بینیم: برخی به شدت شوخی را نهی کرده و برخی نیز آن را توصیه کرده‌اند. آنجا که شوخی نهی شده است منظور رفتاری است که موجب خشم خداوند شود و در آن بیهودگی و ناسزا باشد. از طرف دیگر، اگر نکات اخلاقی در شوخی رعایت شود پسندیده است؛ لذا علمای اخلاق می‌گویند: «مزاح اندک که از حق تجاوز نکند و مشتمل بر سخن باطل یا ایذا و اهانتی نباشد و باعث شکفتگی خاطری گردد مذموم نیست».^۱

با توجه به این که شوخی مناسب باعث ایجاد نشاط در افراد می‌شود شوخی با همسفران نشان جوانمردی افراد است: «الْمُرُوَّةُ فِي السَّفَرِ ... وَ كَثْرَةُ الْمِزَاحِ فِي غَيْرِ مَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»؛^۲ از جوانمردی در سفر ... پر شوخی کردن است جز در مواردی که باعث خشم خداوند می‌شود.

برخورد مناسب و خوش‌رویی در سفر به اندازه‌ای مورد توجه است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةً، مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَافَقَةً، مَنْ رَافَقَهُ وَ مَمَالِحَةً مَنْ مَالِحَهُ»؛^۳ از ما نیست کسی که با همراه و

۱- معراج السعاده، ص ۵۵۸.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۹۴.

۳- الكافي، ج ۲، ص ۶۶۸.



رفیق خود خوش نباشد و با آن که با وی نمکین است نمکین نباشد.

با توجه به نکاتی که در روایات وجود دارد، می‌توان گفت بیشترین تأکید بر اخلاق و رفتار نیکوست؛ و این که فرد خودش خوش رو باشد و اگر می‌تواند اسباب شادی و نشاط دیگران را هم فراهم کند تا سفر به خاطره‌ای خوش تبدیل شود.

۴- شعر خوانی

از نکات جالبی که در روایات درباره‌ی سفر آمده است توصیه به شعر خوانی است. در روایتی از پیامبر آمده است: «زَادُ الْمُسَافِرِ الْحُدَاءُ وَالشُّعْرُ مَا كَانَ مِنْهُ لَيْسَ فِيهِ خَنَا»؛^۱ توشه‌ی مسافر حُدی و شعرهایی است که در آن سخنان رکیک نباشد (حُدی آوازی است که شتربان برای شتر می‌خواند).

البته شعر خوانی به سفر گروهی اختصاص ندارد، ولی اکنون این مسأله در سفر گروهی مصداق بیشتری پیدا می‌کند؛ از این رو خواندن شعر مناسب با ایامی که سفر در آن صورت می‌گیرد یا متناسب با مقصد و هدف سفر، یکی از روش‌هایی است که می‌توان از آن استفاده‌های معنوی و اخلاقی کرد و حتی برای ایجاد نشاط و شادابی در گروه از آن بهره برد. شعر به سبب داشتن قدرت تأثیرگذاری و نفوذ زیاد و لطافت، در بسیاری از موارد بهترین راه برای تبلیغ، آموزش، امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد انگیزه، تقویت روحیه و بسیاری از مواردی است که روش‌های دیگر هزینه‌ی بیشتر و تأثیر کمتری دارند. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به شعرهای حماسی دوران جنگ اشاره کرد که انگیزه‌ی مقاومت و ایثار را در رزمندگان و اقشار مختلف مردم تقویت

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۰.



می‌کرد؛ از این رو استفاده از شعر در سفر، مخصوصاً اردوهای دانشجویی و دانش‌آموزی بسیار مفید خواهد بود؛ و البته نکته‌ی مهم جهت‌دهی به این اشعار و مفاهیم است که به دور از هرزگی و مطالب غیر اخلاقی باشد.

۵- فراوانی توشه و سخاوتمندی

در بحث مسائل مادی آمد که افراد باید با کسانی همسفر شوند که از لحاظ مادی هم‌تراز هستند. ولی در کنار این نکته، سفارش‌های دیگری در روایات وجود دارد که می‌توان از آن به عنوان مکمل بحث یاد کرد. سفارش به این که مسافر برای سفر خود توشه‌ی خوب تدارک ببیند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سُفْرَةً وَتَنَوَّقُوا فِيهَا»؛^۱ چون سفر می‌کنید، سفره بردارید و در آن خوراک خوب بگذارید. توجه به این امر نشان از شرافت و بزرگ‌منشی افراد دارد: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مِنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيَّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ»؛^۲ از شرافت مرد است که در سفر توشه‌ی خوب بردارد.

دست و دلبازی در تهیه‌ی مایحتاج سفر و بخشش آن نیز از خصوصیات جوانمردان به شمار می‌آید: «عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: الْمُرُوءَةُ فِي السَّفَرِ كَثْرَةُ الزَّادِ وَطَيِّبُهُ وَبَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ»؛^۳ مروت در سفر فراوانی و خوبی توشه و بخشش آن به همراهان است.

شاید در نگاه اول این مطالب با هم‌سطح بودن در مسایل مادی در تضاد باشد، ولی اگر با دقت به این دو موضوع توجه شود و هر دو در

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۶۷.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۴.



کنار هم قرار گیرند، روشن می‌شود آنجا که سخن از هم‌خرجی است باید همه در یک سطح باشند تا احساس حقارت و کمبود برای افراد پیش نیاید. در اینجا کسی نباید بر دیگری از لحاظ طولی برتری داشته باشد، ولی اگر همه در یک سطح باشند و در این میان هر کس با توجه به موقعیت و شرایط خود بهترین تدارک را برای سفر ببیند، این وضعیت چنین حسی را به وجود نمی‌آورد، بلکه به نوعی نشان دادن سلیقه و هم‌دلی در سفر است. همان‌طور که در روایت اول در این باب آمده است: «تَتَوَقَّوْا فِيهَا». «تَتَوَقَّ» در لغت به معنای سلیقه به خرج دادن و نیکو و آراسته شدن است.^۱ این نوع برتری در عرض است که تبعات منفی نخواهد داشت، بلکه باعث نزدیک شدن دل‌ها به یکدیگر می‌شود.

۶- همراهی و مدارا با گروه

مدارا و همدلی از بزرگ‌ترین رازهای موفقیت در یک گروه محسوب می‌شود؛ خواه هدف یک سفر باشد یا انجام یک کار گروهی و ... اگر یک گروه تصمیم به انجام کاری دارند، به دلیل وجود افراد و سلیق و افکار متفاوت، نظرات و انتظارات متفاوت نیز به وجود می‌آید، هر چند قبل از تشکیل گروه باید نکاتی را مورد توجه قرار داد (انتخاب همسفر، هم‌خرجی و ...) تا زمینه‌های اختلاف به حداقل برسد، ولی هیچ گروهی را نمی‌توان تصور کرد که تمام سلیق و افکارشان یکی باشد. با این همه، قطعاً می‌توان گروه‌های بسیاری را دید که با توجه به اختلاف‌های فراوان با همدلی و مدارا به وحدت و اتفاق نظر رسیده‌اند. اگر مدارا و همدلی در شرایط عادی کارساز و مشکل‌گشاست، اهمیت آن در سفر چندین برابر می‌شود و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند؛ از این

رو در روایات به این نکته توجه ویژه شده است. در سفارش لقمان به فرزندش آمده است: «وَ إِذَا دَعَوَكَ فَأَجِبْهُمْ، وَ إِذَا اسْتَعَانُوا بِكَ فَأَعِنْهُمْ... إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ، فَاَمْشْ مَعَهُمْ؛ وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ، فَاَعْمَلْ مَعَهُمْ؛ وَ إِذَا تَصَدَّقُوا وَ أَعْطَوْا قَرْضاً، فَأَعْطِ مَعَهُمْ»؛^۱ اگر تو را به کاری خواندند جوابشان را بده؛ و اگر از تو کمک خواستند به آنها کمک کن... اگر دیدی همراهان حرکت می کنند تو هم با ایشان حرکت کن؛ و اگر دیدی کاری را انجام می دهند با ایشان کار کن، و هنگامی که مالی را صدقه می دهند تو هم با ایشان صدقه بده.

این سفارش اهمیت همراهی با گروه را نشان می دهد. تا جایی که برای فرد ممکن است باید از تکروی و جدایی از گروه خودداری کند و در حد امکان با تصمیمات جمع همراهی کند. در جایی هم که با نظر آنها مخالف است، برای برقراری انسجام و یکرنگی مدارا کند و از این که نظر خود را به آنها تحمیل کند پرهیزد. این همراهی و مدارا در کوچک ترین امور هم باید در نظر گرفته شود تا از ایجاد تنش جلوگیری شود. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده است: «إِنَّكَ سَتَصْحَبُ أَقْوَاماً، فَلَا تَقُولَنَّ: أَنْزَلُوا هَاهُنَا وَ لَا تَنْزِلُوا هَاهُنَا»؛^۲ تو که با گروهی همسفر می شوی نگو: اینجا منزل کنید و آنجا منزل نکنید.

امام توصیه می کنند که در سفر از تحمیل نظرات فردی باید پرهیز کرد، حتی در مورد محل استراحت. البته تحمیل نظر و یا تکروی در میان جمع به آن معنا نیست که اگر نظر یا پیشنهادی مناسب وجود دارد مطرح نشود. اظهار نظر باید به صورت منطقی و مشورت باشد، ولی مهم آن است که به تحمیل عقاید و مخالفت با گروه منجر نشود؛ زیرا یکدلی

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۵۲.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۷۰.

و همراهی در جمع بسیار با اهمیت است: «كُنْ لِأَصْحَابِكَ مُوَافِقًا إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ»؛^۱ با همسفران همراهی و موافقت کن تا جایی که معصیت خداوند نباشد.

این روایت به جامعیت همراهی اشاره دارد؛ یعنی: در تمام کارها از گروه تبعیت کن و همراه با آنان باش مگر در معصیت خداوند. شاید در خیلی از موارد نظر فرد با گروه یکی نباشد، ولی لازم است از تصمیمی که برای گروه گرفته می‌شود پیروی کرد تا هم نظم بیشتری در گروه حاکم باشد و هم با اختلافات، لذت سفر و صمیمت بین افراد از بین نرود. تحمل نظرات مخالف سخت است، ولی با توجه به نتایج آن قابل تحمل خواهد بود.

در خصوص مدارا در سفر از پیامبر اکرم نقل شده است: «إِحْتِمِلِ الْأَذَى عَمَّنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ وَأَصْغَرُ مِنْكَ وَخَيْرٌ مِنْكَ وَشَرٌّ مِنْكَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ كَذَلِكَ، تَلَقَى اللَّهَ - جَلَّ جَلَّالُهُ - يَبَاهِي بِكَ الْمَلَأَتِ كَتَّةً»^۲؛ اذیت افرادی را که از تو بزرگ‌تر و یا کوچک‌تر و افرادی که بهتر یا بدتر از تو هستند تحمل کن. اگر تو چنین باشی، خداوند تو را می‌بیند و به واسطه‌ی تو به ملائکه مباحات می‌کند.

افرادی را که پیامبر برشمرده است، در حقیقت شامل تمام افرادی می‌شود که ممکن است همراه با یک نفر باشند. افراد یا از نظر سنی با هم تفاوت دارند که سفارش به تحمل آنها شده است یا از نظر فکری اختلاف دارند، یا بهتر و یا بدتر هستند، در هر دو حالت به تحمل سفارش شده است. در حقیقت پیامبر با این کلام می‌فرماید: در هر صورت زحمت و اذیت دیگران را تحمل کنید تا به واسطه‌ی مدارا کردن موجب مباحات خداوند باشید.

۱- الکافی، ج ۸، ص ۲۹۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶.

نتیجه‌ای که برای مدارا نقل شده، نشان از اهمیت این خصیصه دارد که در سفر از ارزش دوچندانی برخوردار است.

۷- صمیمیت و رازداری بین همسفران

نکته‌ی دیگری که در روایات به آن اشاره شده است برقراری روابط صمیمانه با همسفران و رازداری است. وقتی گروهی با هم قصد سفر دارند، در مدتی که در کنار هم هستند مانند یک خانواده غم و شادیشان، سلامت و بیماریشان بر یکدیگر اثر می‌گذارد و در قبال یکدیگر نیز مسوؤل هستند. یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: «دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ: مَنْ صَحَبِكَ؟ قُلْتُ: رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِي قَالَ فَمَا فَعَلْتُ قُلْتُ مُنْذُ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ لَمْ أَعْرِفْ مَكَانَهُ. فَقَالَ لِي: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ صَحَبَ مُؤْمِنًا أَرْبَعِينَ خَطْوَةً سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟!»؛^۱ به نزد امام صادق علیه السلام رفتم. از من پرسید: همسفرت که بود؟ گفتم: یکی از برادرانم. امام پرسیدند او چه می‌کند؟ گفتم: از زمانی که وارد مدینه شدم جایش را نمی‌دانم. به من فرمودند آیا نمی‌دانی کسی که با مؤمنی چهل قدم همراه شود، خداوند در قیامت درباره‌ی او از وی سؤال می‌کند؟!^۱

این کلام امام حاکی از آن است که همراه شدن با هم، حقوقی را به دنبال دارد که نباید از آن غفلت کرد. برقراری ارتباط با همسفران، آگاهی از حالشان، کمک به آنها در مشکلات و سختی‌ها، هم‌صحبتی و رفاقت از نمونه‌های صمیمیت است. البته با توجه به روایت مذکور در ابتدای بحث، این ارتباط در سفر محدود نمی‌شود و بعد از سفر نیز باید همسفران از احوال هم با خبر شوند و در صورت لزوم به یاری یکدیگر

۱- الأمالی طوسی، ص ۴۱۳.



بروند. رعایت این نکات در زندگی اجتماعی باعث گسترش ارتباط جمعی می‌شود و این ارتباطات حمایت‌های معنوی را برای افراد به همراه می‌آورد.

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد رازداری بین همسفران است. در نگاه اول شاید بین این دو عنوان تناسبی دیده نشود، ولی با کمی تأمل ارتباط آنها روشن می‌شود. برقراری روابط صمیمانه باعث می‌شود که افراد به هم اعتماد کنند و اسراری را که در زندگیشان وجود دارد برای هم بازگو کنند، و یا به دلیل نزدیکی از مسائل شخصی یکدیگر آگاه شوند و یا در سفر اموری اتفاق افتاده باشد که بازگو کردن آن خوشایند نباشد. این امور اهمیت رازداری در بین همسفران را افزایش می‌دهد؛ از این رو یکی دیگر از موارد جوانمردی در سفر رازداری است. «الْمُرُوءَةُ مُرُوءَاتَانِ: مُرُوءَةٌ فِي الْحَضَرِ وَ مُرُوءَةٌ فِي السَّفَرِ ... وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ، فَكَثْرَةُ الزَّادِ وَ طَيْبُهُ وَ بَدَلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ، وَ كِتْمَانُكَ عَلَى الْقَوْمِ سِرَّهُمْ بَعْدَ مُفَارَقَتِكَ إِيَّاهُمْ، وَ كَثْرَةُ الْمِزَاحِ فِي غَيْرِ مَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»؛^۱ مروت دو گونه است: در حضر و در سفر ... اما در سفر، توشه‌ی فراوان و خوب و بخشش از آن به‌مراهان، و حفظ اسرار رفیقان پس از جدایی ایشان، و شوخی بسیار که خداوند عزوجل را خشمگین نکند.

بنابراین، داشتن روابط صمیمانه که به تحمل مشقات و سختی سفر کمک می‌کند از سفارشات دینی است و البته رازداری و پرده‌پوشی نیز به تبع این صمیمیت ضروری است، تا گروهی که مانند یک خانواده مدتی را در کنار هم بودند، با خاطره‌ای خوش سفر را به خاطر بسپارند و

۱- آمالی الصدوق، ص ۵۵۲.



همچنین ذهنیتی خوب نسبت به سفر در آینده برایشان باقی بماند. آنچه در این قسمت بیان شد مواردی بود که در روایات پیرامون سفر آمده بود و رعایت آنها لذت سفر و همراهی با گروه را افزایش می‌دهد.

نتیجه

سفر و گردشگری در اسلام از جمله اموری است که بدان سفارش شده است تا ثمرات مادی و معنوی آن دوچندان شود. توصیه‌هایی اخلاقی نیز برای آن بیان شده است. این نکات اخلاقی را می‌توان با دو رویکرد فردی و گروهی مورد بررسی قرار داد: در اخلاق فردی گردشگری، خداحافظی کردن از دوستان و بستگان قبل از سفر توصیه شده است و در ابتدای سفر و در حین سفر توجه به خداوند و یاد او و کنترل رفتار و اطلاع‌رسانی به خانواده و مواظبت از اموال نیز از جمله سفارشات اخلاقی است. اما در مورد اخلاق گردشگری گروهی، ابتدا انتخاب همسفر و بعد رعایت مسائل مادی مورد توجه واقع شده است. همچنین حسن خلق و شعرخوانی و فراوانی توشه در سفر نیز مورد تأکید است. همراهی و مداراً با همسفران و صمیمیت و رازداری نیز از جمله نکاتی است که در سفر گروهی به رعایت آنها سفارش شده است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن احمد فراهیدی، خلیل، العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، چاپ دوم، قم: جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ اول، نجف: مرتضوی، ۱۳۵۶ ه.ق.
۵. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۶. اسلامی، محمدتقی، دیری، احمد، علیزاده، مهدی، اخلاق کاربردی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۷. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی بانگ‌رش به منابع اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲ ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۹. حر عاملی، محمد، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل‌البتیت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین، المفردات، چاپ اول، دمشق، بیروت، دارالعلم الدار الشیعه، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۲. سید ابن طاوس، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، چاپ اول، قم: آل‌البتیت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۳. شریفی احمدحسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، چاپ سی و دوم، قم: نشر معارف، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. شیخ صدوق، محمد، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.

۱۵. شیخ طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۶. صدوق، محمد، الخصال، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. صدوق، محمد، امالی شیخ صدوق، چاپ ششم، تهران: اسلامیه.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۱۹. طوسی، محمد، الأمالی، قم: دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
۲۱. کلینی، یعقوب، اصول کافی، ترجمه: کمره‌ای، محمدباقر، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۹.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۲۴. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم: هجرت، ۱۳۷۱.
۲۵. ورام، ابن ابی فراس، بی تا، مجموعه ی ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه.